

بررسی الگوی مدیریت فرماندهان شهید:

اگر امروز باکری و سلیمانی بودند، برای تأمین سلامت مردم مبارزه می‌کردند

فرمودند که آقای فتاح به مردم و به مستضعفین برسید. بدون تردید دل آقا با مردم و مستضعفان است. اصلاً آقا بنیاد را این‌چنین می‌خواهد. الان هم ما وظیفیم و وظیفه‌ی ذاتی و بالفعل ما این است. مملکت الان دچار یک بحرانی شده است که البته به لطف خدا و به عنایت شهیدا و آقا مثل همه‌ی بحران‌ها مردم به سلامت عبور خواهند کرد. اما ما باید وظیفه‌مان را انقلابی، جهادی و دلسوزانه انجام بدهیم. اگر مهر مردم در دل ما مسئولین بیفتد همه کارها قابل حل است. به قول شهید باکری ما باید نوکر و خاک پای مردم بشویم. بالاخره اموال بنیاد باید روزی به درد بخورد. برای همین تا کمیته‌ی امداد، بهزیستی و شهرداری اعلام نیاز کردند، ما برای کمک درنگ نکردیم. حتی با آقای حاجی شهردار تهران دربار‌ی کسانی که افراد فوت شده در اثر کرونا را در بهشت زهرا دفن می‌کنند صحبت کردم. خیلی کار سختی است. این‌ها جهادی و عاشقانه و مؤمنانه عمل می‌کنند. به مسئول بهشت زهرا خود مستقیماً زنگ زدم و گفتم این‌کروناپی‌ها مظلومانه دفن می‌شوند، و کفن و دفنشان به‌خاطر مسائل بهداشتی مظلومانه است. به این‌ها برسید و ما به همه‌یشان کمک کردیم.

ما از طریق شهرداری به کسانی که در شرکت پسماند زحمت می‌کنند و زباله‌ها را جمع می‌کنند کمک کردیم. به مددجویان کمیته‌ی امداد و بهزیستی که توانایی خرید لوازم بهداشتی را نداشتند، خودمان احساس وظیفه کردیم و به آن‌ها کمک مالی کردیم. با کمک بهزیستی به کودکان کار که در این اوضاع نمی‌توانند کار کنند، کمک کردیم. حتی الان داریم با شهرداری صحبت می‌کنیم تا به دست فروش‌ها هم رسیدگی و کمک بشود. این‌ها آسیب‌پذیرند. این‌ها انسان و هم‌وطن ما هستند. سلامتی مردم برای ما مهم است. حاج قاسم جانش را فدا کرد تا مردم در امنیت و در سلامت باشند.

رزمندگان ما رفتند تا مردم در امنیت باشند. الان امنیت مردم به یمن رزمندگان و شهیدا با همه‌ی تهدیدات تأمین شده است. ولی صحت و سلامتی مردم تهدید شده، و ما مسئولین باید جلوی این تهدید بایستیم. واقعاً الان هم احساس می‌کنیم که مثل دوران دفاع مقدس است. مدیران ما باید در همین مسیر مبارزه با کرونا جانمان را مثل باکری و حاج قاسم بدهیم. آقا مهدی پسر شهید همت یک جمله‌ای دارند که حضرت آقا هم به آن اشاره کرده‌اند. این خاطره را بگویم. حضرت آقا به مهدی همت فرمودند: شما این جمله را گفتید؟ گفت بله و گفته بود اگر پدر من زنده بود، الان همان کاری را می‌کرد که حاج قاسم می‌کند. آقا فرمودند: آفرین همین درست است. الان من دارم می‌گویم اگر شهید باکری‌ها و شهید قاسم سلیمانی‌ها زنده بودند با آن همه روحیه چه کار می‌کردند؟ برای امنیت و سلامتی مردم با کرونا مبارزه می‌کردند و برای تأمین لوازم بهداشتی به کمک مردم و بیمارستان‌ها می‌رفتند.

«پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENE'I.R

ایشان رئیس جلسه بود، یک روز حدود ۳۰ نفر در جلسه نشسته بودیم و تابستان هم بود، پارچ آب که خالی شد آقا مهدی آن را برداشت و خودش رفت پر کرد و آورد و به کسی هم نگفت که این کار را انجام دهد. این مرام و آن فرماندهی‌اش بود. ما الان از این الگوها می‌خواهیم. مردم ما طبعشان این‌گونه است. چرا دنیا این‌قدر شیفته‌ی حاج قاسم سلیمانی شد؟ چون مردم ایشان را دوست داشتند.

این صفا و سادگی در حاج قاسم هم مشهود بود؛ سال گذشته می‌خواستم حاج قاسم را ببینم. ایشان به من گفت مهندس صاحبانه به دفتر کار من بیا. صبح زود به دفترش رفتم. مسئول دفترش به من گفت شما منتظر باشید حاج قاسم در راه است و دارد می‌آید. وقتی آمد خیلی عرق کرده بود، و گفت خیلی اذیت شدم، چون پیاده‌روی کرده بود. روبروی من نشست و مشغول خوردن صبحانه شدیم. من پشت سر حاج قاسم یک طاقچه دیدم. یک نماینگانه هر از قاب شهیدا بود، و فقط حاج

قاسم بین آن‌ها زنده ماند بود. ولی حاج قاسم وسط همه‌ی آن‌ها مثل یک شهید زنده بود و خلق، منش و مهرش مثل شهید باکری بود.

آخرین دست خط حاج قاسم که مرا پاکیزه پذیر، عین جمله‌ی شهید باکری است. شهدا همه از جنس نورند. نور عین وحدت است. الله نورالسموات و الارض یک نور است، و انوار نیست. شهید وقتی به خدا متصل می‌شود از جنس خدا و نور می‌شود. اخلاق، منش و کلاش نورانی می‌شود. چرا الان کلام حاج قاسم هنوز مؤثر است، چون به آن نور و ابدی پیوسته و خدایی شده است. خداوند به شهدا و مؤمنین در آیةالکرسی چنین وعده داده است که: «لله وَلِیُّ الذِّیْنِ اَمَّاوُا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی السُّورِ». اصلاً ظلمت دیدنی نیست وقتی که به نور می‌رسد جلوه می‌کند. برای همین است که همه‌ی شهدا مثل حاج قاسم، شهید باکری، شهید همت ...

متبلور می‌شوند، و جلوه می‌کنند چون پیوسته به آن منبع لایزال وصل هستند. نور از بین نمی‌رود و ازلی است. لذا ما یک چنین الگوهای نورانی داریم. و این‌ها خاموش شدنی هم نیستند. امام راحل عظیم‌الشأن ما فرمود که تا ابد این مزار شهیدا جلوه خواهند کرد. و فرمود انقلاب با انفجار نور بود. دقت کنید این هم از جنس نور خدا است. برای همین سکناات و وجناات و جلوه‌های انقلاب ما نورانی و تأثیرگذار می‌شود. چون روح الهی در آن هست. بقیه‌ی آدم‌ها این چنین نیستند و نمی‌توانند چنین تأثیراتی را بگذارند.

با توجه به این رزمایش عمومی و حرکت ملی که برای مقابله با ویروس کرونا شروع شده، و رهبر انقلاب به مجموعه‌ی بنیاد برای پیگیری موضوع خاص تأکیدانی داشتند؟

نظر معظم‌له همیشه این است که ما مردم‌داری کنیم. چند ماه قبل مستقیم به من



عَلِمَ خَوَاهِرُ الرَّجَالِ». وقتی مسئله‌ای پیش می‌آید، جوهره‌ی انقلابی، انسانی و ایمانی بروز می‌کند. و به لطف خدا ما این را در مملکت داریم. ما ۴۱ سال است که توانسته‌ایم همه‌ی موانع، همه‌ی پیچ و خم‌ها، همه‌ی گردنه‌ها و همه‌ی مصیبت‌ها را رد کنیم. ما الان قاطمان استوار است، و ایستادیم. دنیا دارد به ما نگاه می‌کند. ما داریم الگوسازی می‌کنیم. ما الان نیاز به روحیه‌ی میدان‌داری و مدیران خاکی و سادۀ مثل شهید باکری و شهید سلیمانی داریم. ما نیاز به کسانی داریم که در خط مقدم باشند و به مردم بگویند بیایید و من هستم. آن وقت دیگر نیاز به دستور و خواش و اصرار نیست. چون مردم آن‌ها را از جنس خودشان می‌بینند. و دیگر بین مدیریت و مردم دوگانگی نخواهد بود. و وقتی مردم بین خودشان و مسئولین فاصله‌ای نبینند، آن وقت فرمانبری از جنس اطاعت می‌شود.

ایسن ویژگی «در خط مقدم بودن» نیازمند این است که فرمانده خود را از نظر ذهنی هم در ردیف نیروهایش بداند و ایمان داشته باشد که بناست در کنار هم به موفقیت برسند.

تقریباً دو ماه قبل از شهادتش به مرخصی آمده بود. و یکی از دوستان مشترکمان شهید شده بود. من اتفاقاً با یکی از دوستان برای دیدن خانواده‌شان رفته بودم که آقا مهدی را آنجا دیدم. بالاخره از لشکر ایشان شهید شده بود و عادتش این بود که به دیدن خانواده‌های شهیدا می‌رفت. وقتی خانواده‌ی این شهید آمدند، خیلی خودشان را وامدار، مقروض، بدھاکر احساس می‌کردند. ولی آقا مهدی با زبان بی‌زبانی به آن‌ها می‌گفت من بچه‌تان را بردم و شهید کردم. چقدر آقا مهدی بزرگ‌منش بود و افتاده و خاکی بود. در جلسات جهاد سال ۵۹ هم



انجام می‌داد. شهید سلیمانی در دنیا نمونه ندارد. این مکتب ماست. این را باید درست بگوییم. این آموزه‌های ارزشی در جبهه پیاده شد. و در دفاع مقدس ما ظهور و بروز پیدا کرد. همه‌ی فرماندهان ما در خط مقدم شهید شدند. ولی آیا در جنگ‌هایی که آمریکایی‌ها در این چهل سال آغازگر آن بودند، یک فرمانده از آن‌ها کشته شد؟ برای همین است که آقای ترامپ می‌گوید ما در همه‌ی جنگ‌ها شکست خوردیم. برای اینکه فرماندهانشان شکست خورده‌اند. و جسارت حضور در میدان را نداشته و ندارند. کیلومترها دورتر از خط مقدم هستند و به نیرو دستور می‌دهند که به جلو برود. اما فرمانده ما حاج قاسم سلیمانی در خط مقدم و در کنار نیروها حضور داشت. این مکتب ماست. چه آنجایی که به محرومان کمک و خدمت‌رسانی می‌کند و چه آنجایی که در رزم و جنگ است. ببینید ما یک جلوه‌اش را در زلزله‌ی کرمانشاه دیدیم که بچه‌ها با همان روحیه‌ی بسیجی و انقلابی مردانه پای کار ایستادند. یا وقتی سیل در گلستان، خوزستان و ایلام آمد دوباره همین افراد با همان روحیه‌ی دفاع مقدسی فرمانده‌ها به صحنه آمدند، و من در معمولان و در شهرهای گلستان دیدم که فرماندهان با همان روحیه شخصیت و مسئولیت و درجه‌شان را کنار گذاشتند و در خط

مقدم سازندگی برای مردم کار کردند. الان هم در همین مسئله‌ی اخیر، ویروس کرونا واقعاً پزشکان و پرستاران دارند جهاد می‌کنند. و امداد بومد. همیشه می‌گفتم که الگوی ما چیست؟ آن موقعی که حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان خلیفه‌ی حکومت اسلامی کیسه به روی دوشش می‌انداخت و شبانه به در خانه‌ی مستضعفین می‌رفت یعنی خودش آن مأموریت را انجام می‌داد و از وقت خواب شبانه‌اش می‌گذشت و مسئولیت فردی‌اش را

باید بگوییم که این منطق و این مشرب در مکتب ما هست. مکتب شیعه آموخته‌های مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است. ببینید من بیشتر از چهار سال از طرف رهبر معظم انقلاب رئیس کمیته‌ی امداد بودم. همیشه می‌گفتم که الگوی ما چیست؟ آن موقعی که حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان خلیفه‌ی حکومت اسلامی کیسه به روی دوشش می‌انداخت و شبانه به در خانه‌ی مستضعفین می‌رفت یعنی خودش آن مأموریت را انجام می‌داد و از وقت خواب شبانه‌اش می‌گذشت و مسئولیت فردی‌اش را

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد من خس بی سر و پایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد. آن‌ها پروا و ترس نداشتند ولی مهر آقا مهدی دل همه را برد. آقا مهدی جلوترترین فرد سپاه و لشکر بود. آقا مهدی عقب نبود بلکه جلوتر از همه بود. از آنجا فرماندهی می‌کرد. در همه‌ی عملیات‌ها ما یادمان است آقا مهدی از همه جلوتر بود. ببینید در آداب نظامی این خلاف است، و این عرف نیست. ولی در سپاه عاشورایی که امام حسین علیه‌السلام آن را به پا کرده این الگو است. اول برادرش حمید را فرستاد. و وقتی می‌خواستند جنازه‌اش را بیاورند، اجازه نداد و گفت مگر همه را آوردید که حمید را می‌خواهید بیاورید. این روحیه کجا پیدا می‌شود؟ این همان سپاه عاشورا و کربلاست که چنین می‌کند. آخرین فرازش به حاج احمد کاظمی قبل از شهادت در بیسیم این بود که به حاج احمد گفت به اینجا بیا و صحنه‌ای که من اینجا دارم

می‌بینم در این عالم دیده نمی‌شود. به قول حضرت آقا، شهید باکری در آن لحظه بهشت را می‌دید. با آقا مهدی زمینی ما در بهشت بود و بهشت را می‌دید. خدا رحمت کند شهید سید حاج قاسم سلیمانی که چه زیبا گفت، شهید نمی‌شوند مگر اینکه قبل از شهادت به مقام شهادت برسند. آقا مهدی انصافا وقتی راه می‌رفت و صحبت می‌کرد، واقعاً احساس می‌کردیم که یک شهید زنده است. خلق، منش و رفتارش همه جلوه‌ای از تبار شهیدان بود.

از شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی یاد کردید. ایشان الگوی فرماندهی را جزء افتخارات دوران دفاع مقدس می‌دانستند. یعنی فرماندهانی که خودشان در صف مقدم و در خط اول نبرد فرماندهی می‌کردند و می‌جنگیدند. اما امروزه مهم‌ترین حلقه‌ی مفقوده مدیریتی کشور این الگوی مدیریتی است. و جامعه‌ی جوان ما مدیری را می‌پسندند و با مدیری هم راستاست و هم‌گراست که احساس کند خودش در نقطه‌ی اصلی نبرد و فعالیت مشغول است. این حلقه‌ی مفقوده را باید چه کار کنیم؟ آیا در انقلاب اسلامی و در برهه‌ی فعلی به‌دنبال تربیت چنین کادری هستیم؟ و چنین کادری الان در منصب فعالیت حضور دارد؟

باید بگوییم که این منطق و این مشرب در مکتب ما هست. مکتب شیعه آموخته‌های مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است. ببینید من بیشتر از چهار سال از طرف رهبر معظم انقلاب رئیس کمیته‌ی امداد بودم. همیشه می‌گفتم که الگوی ما چیست؟ آن موقعی که حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان خلیفه‌ی حکومت اسلامی کیسه به روی دوشش می‌انداخت و شبانه به در خانه‌ی مستضعفین می‌رفت یعنی خودش آن مأموریت را انجام می‌داد و از وقت خواب شبانه‌اش می‌گذشت و مسئولیت فردی‌اش را

سپهرغرب، گروه اجتماعی: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چندی پیش با اشاره به توان مدیریت شهید باکری او را معجزه انقلاب نامیدند. به همین مناسبت، گفت‌وگویی با آقای سید پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی با موضوع تحلیل «الگوی مدیریت شهید باکری» انجام شد.

محوری‌ترین مفهومی که می‌خواهیم به آن بپردازیم، الگوی فرماندهی فرماندهان جنگ در دوره دفاع مقدس و امتداد آن اتفاق تا به امروز است. شما خاطره‌ای دارید از آقا مهدی باکری دارید که یک بار همه را جمع می‌کند و یک سخنرانی خاصی برای آن‌ها می‌کند. آن را برای ما تعریف کنید.

بله من خاطره از آقا مهدی زیاد دارم. ولی آنکه شما اشاره کردید مربوط به افتادگی، منش و اخلاص این مرد خدا می‌شود. آقا مهدی مهندس بود. شاید در بین فرماندهان جنگ زیاد فارغ‌التحصیل رشته‌ی مهندسی قبل از انقلاب نبودند. اما آقا مهدی در مهندسی‌شان خبره بود. انصافاً مهندس و محاسب و مسلط بود. و وقتی احساس تکلیف می‌کند وارد میدان جنگ می‌شود. در شهریور سال ۵۹ که دانشگاه‌ها تعطیل شد به جهاد سازندگی رفتیم و آقا مهدی هم رئیس ما در جهاد سازندگی استان آذربایجان غربی بود. جنگ که شد هفته‌ی اول چون چیزی بلد نبودیم و سربازی هم نرفته بودیم، به آموزش رزم رفتیم. آقا مهدی به ما آموزش کار با خمپاره را یاد می‌داد. و به آموزش رزم مسلط بود. آموزش خمپاره هم آن موقع برای ما خیلی جذاب بود و واقعاً هم مسلط تدریس می‌کرد. بعد هم آقا مهدی شهردار ارومیه شد. من فکر کنم همه‌ی عزیزان شهرداری آن دوره‌ی کوتاه مدیریت ایشان را به یاد دارند. انقلابی، جهادی، میدانی و با همه‌ی طبقه‌ی پایین شهرداری آقا مهدی خودش را هماهنگ می‌کرد. انگار نه انگار که ایشان همان باکری با آن تبار و سواد و سابقه‌ی قبل از انقلاب است.

در دفاع مقدس هم فرمانده لشکر عاشورا شد. و هم‌رمزهای ایشان به پساد نداریم که آقا مهدی به نیروها دستور بدهد. اصلاً مرام ایشان دستوری نبود. اخلاق فرماندهی می‌کرد. فرماندهی حسن خلق و اخلاص باکری بود. مقر نیروها دزفول بود و همه را برای عملیات جمع کردند. عملیات سختی بود. آقا مهدی برای سخنرانی همه‌ی فرمانده تیپ‌ها و گردان‌ها را جمع کردند و به جمع بسیجی‌ها اشاره کرد و گفت عزیزان من شب حمله است. این هم لشکر عاشورا است. سپاه آذربایجان، غیرت آذری دارد. فرماندهانی که جلوی من به صف ایستادند نوکر شمايند. این نوکرها یک سرکرده هم می‌خواهند که من همان سرکرده‌ام. آقا مهدی سرکرده این نوکرها است و ما نوکر شماينم. شما ببینید با این حرف چه اتفاقی در سپاه می‌افتد؟ سپاه دیگر دستور نمی‌خواهد. آقا مهدی با این حرف‌ها دل‌های نیروها را برد. شری‌ از مرحوم علامه‌ی طباطبایی در این‌باره هست که می‌فرماید:

مهر خوین دل و دین از همه بی پروا برد

چگونه در خانه بمانیم

فرست‌هایی که در قرنطینه خانگی دارید



عبادت بهتر است». قفسر جامعه در حال حاضر هستند در حالی که برای داشتن آینده‌ی نیکو، باید روانی آرام در کودکی داشته باشند. در نتیجه والدین باید با حفظ آرامش حاضری و باطنی از ایجاد تنش در بچه‌ها جلوگیری کنند. جدای از آن که ماندن بیش از اندازه در خانه برای بچه‌ها نیز سخت خواهد بود. در این زمان سعی کنیم محیط خانه را به گونه‌ای فراهم کنیم که بتوانند به راحتی بازی کنند.

در حالی‌که دید و بازدیدهای عید به بعد از شکست کرونا موکول شده است، وسایل اضافی را جمع کرده و محیط خانه را امن کنیم. زمانی را به بازی با کودکان اختصاص دهیم. در فضاهایی مانند حیاط یا پشت بام خانه به تفریح و بازی با آن‌ها بپردازیم. والدین، به ویژه آن‌هایی که در طول سال ععدی وقت خود را در بیرون از منزل هستند از این زمان بهترین بهره را برای نزدیک شدن به فرزندان‌شان گیرند. با نوجوان و جوان خویش بیشتر حرف بزنند. از نقشه‌هایشان برای آینده باخبر شوند. انتظارات‌شان از خود را ببرسند. با یکدیگر فیلم تماشا کنند و در مورد مسائل مختلف با یکدیگر صحبت کنند. رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) فرموده‌اند: «فرزندان خود را گرمای بدارید و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست».

زینب مجلسی راد

اگر قصد سفر دارید، گزارش زیر را بخوانید:

ریسک سفر در روزهای کرونایی چقدر است؟

دستگاه‌های دولتی کشورمان ایران، به شهروندان خود در ایام نوروز توصیه کرده‌اند که از سفرهای غیرضروری بپرهیزند. به طوری‌که حتی شهرهای سیاحتی- زیارتی کشور نظیر مشهد مقدس، اصفهان، شیراز و بندعباس نیز از ارائه خدمات به شهروندان خودداری خواهند کرد

با این وجود برخی از شهروندان ایرانی همچنان در تلاش هستند که تعطیلات خود را به مسافرت بروند. به اینکه تورهای مسافری داخلی و خارجی نیز لغو شده، حتما قبل از سفر خطوط رفت و برگشت خود را چک کنید، همچنین از سرویس‌دهی هتل‌های مقصد و عدم شیوع ویروس کرونا در آنجا مطمئن شوید چرا که هر ساعت ممکن است خطوط هوایی یا مرزهای زمینی محدود و یا مسدود شوند.

به نظر می‌رسد با شرایطی که این روزها ایران و جهان درگیر آن شده است در خانه ماندن بهترین و کم دردم‌ترین انتخاب برای هر خانواده‌ای باشد.

عارف چراغی